



Research Article

**Analysis of the Causes of Intensified Deportation and Return Policies toward Afghan Migrants in Iran (2024–2025)**

Arshia Amini Jashvaghani<sup>1\*</sup>, Bahareh Sazmand<sup>2</sup>

1. M. A in International Relations - Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran

2. Associate Professor, Department of Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Article history:

Received: 02/06/2025

Accepted: 31/007/2025

**Abstract**

**Introduction**

In 2024–2025, the Islamic Republic of Iran’s policies towards Afghan migrants entered a new and considerably stricter phase. The intensification of forced deportations, the reduction of legal protections, and the simultaneous implementation of so-called “voluntary” return schemes have raised important questions about the causes and consequences of these policies. Adopting an analytical-explanatory approach and drawing on the theoretical framework of “securitisation” in international relations, this study seeks to examine the domestic and external factors that have shaped these developments. The findings indicate that a combination of variables has contributed to the intensification of this trend. These include domestic economic pressures and unemployment, security concerns arising from regional developments and the recent Iran–Israel war, identity-based discourse and the politicisation of the migrant issue, and the lack of institutional coordination in migration policymaking.

*Please cite this article as:*

Amini Jashvaghani, A., Amini Jashvaghani, B. (2026). Analysis of the Causes of Intensified Deportation and Return Policies toward Afghan Migrants in Iran (2024–2025). *Journal of Regional Orders Studies*, 3(1). 29-62.

\* Corresponding author: E-mail address: [Arshia.aminicivil@gmail.com](mailto:Arshia.aminicivil@gmail.com)

The results suggest that Iran's deportation and return policies are shaped less by human rights principles and international norms than by geopolitical conditions and short-term security considerations. This approach may exacerbate the humanitarian crisis in Afghanistan and increase international pressure on Iran

### **Method**

This research employs an analytical-explanatory approach and uses the theoretical framework of "securitisation". Data were collected through documentary research and qualitative content analysis of secondary sources, including official reports from institutions such as the Majlis Research Centre and the Ministry of Interior; news agencies such as IRNA, Tasnim, and Fars; academic studies; reports by international organisations and agencies, including UNHCR, IOM, the World Bank, and the World Health Organisation; and reputable international news sources.

### **Findings**

The findings show that a combination of domestic and external factors has contributed to the intensification of deportation and return policies. First, socio-economic factors have played a significant role. High inflation, declining oil revenues, sanctions, a 20 per cent unemployment rate among young people, unemployment of 35 per cent among young women, pressure on public services such as education, healthcare, and housing, and competition over low-skilled jobs have all increased domestic pressure surrounding the presence of Afghan migrants. Second, security and regional factors have intensified the issue. The escalation of tensions between Iran and Israel, particularly the 12-day war of June 2025, together with attacks attributed to Israel on Iran's military infrastructure, turned the presence of undocumented migrants into what was perceived as a "potential security vacuum". Security institutions warned about the infiltration of sabotage elements and the possible exploitation of the situation by hostile actors.

Third, identity-based discourse and the politicisation of the migrant issue have affected the policy environment. Media outlets and some officials have portrayed migrants as contributors to unemployment, inflation, and insecurity, while presenting their return as both a national and a security duty. Fourth, the lack of institutional coordination has intensified policy inconsistency. The dispersion of responsibilities among the Ministry of Interior, law-enforcement bodies, the Ministry of Foreign Affairs, and security institutions has led to confusion and duality in migration policymaking. Fifth, weak support from the international community has further complicated the situation. International assistance, including support

from UNHCR, covers only a very small portion of the costs of hosting several million migrants. According to the figures presented, more than 750,000 migrants were deported in 2024, while the number exceeded 1.5 million in 2025. Following the 12-day war, more than 508,000 people were deported in only 16 days. Iran has set a target of deporting up to 4 million migrants. Seventy per cent of returnees have reportedly been forcibly returned, and approximately one-quarter of them are children.

### **Conclusion**

Iran's deportation and return policies are shaped less by human rights principles and international norms than by geopolitical conditions and short-term security considerations. The 12-day war with Israel acted as an "accelerating factor" and helped legitimise the security discourse surrounding Afghan migrants. This approach may contribute to the worsening of the humanitarian crisis in Afghanistan, including poverty, homelessness, and the suppression of women by the Taliban. It may also increase diplomatic pressure and international criticism directed at Iran and, in the long term, weaken Iran's own social stability and domestic security. The study, therefore, regards a reconsideration of these policies as necessary, with greater emphasis on humanitarian and legal dimensions and increased support from the international community.

**Keywords:** Afghan migrants, Forced Deportation, Voluntary Return, Securitisation, Iran.



## تحلیل علل تشدید سیاست‌های اخراج و بازگشت مهاجران افغانستانی در ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۴)

ارشیا امینی جشوقانی<sup>۱\*</sup>، بهاره سازمند<sup>۲</sup>

۱. کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران  
۲. دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

اطلاعات مقاله

### چکیده

مقدمه: در سال‌های ۱۴۰۳-۱۴۰۴ سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال مهاجران افغانستانی وارد مرحله‌ای تازه و به مراتب سخت‌گیرانه‌تر شد. تشدید روند اخراج‌های اجباری، کاهش حمایت‌های قانونی و هم‌زمان طرح‌های بازگشت موسوم به «داوطلبانه»، پرسش‌های مهمی را درباره علل و پیامدهای این سیاست‌ها برانگیخته است. این پژوهش با رویکردی تحلیلی - تبیینی و بهره‌گیری از چارچوب نظری «امنیت‌سازی» در روابط بین‌الملل، تلاش می‌کند عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر این تغییرات را واکاوی نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از متغیرها شامل فشارهای اقتصادی و بیکاری داخلی، نگرانی‌های امنیتی ناشی از تحولات منطقه‌ای و جنگ اخیر ایران و اسرائیل، گفتمان هویتی و سیاسی‌سازی مسئله مهاجران، و نیز فقدان هماهنگی نهادی در سیاست‌گذاری مهاجرتی، در تشدید این روند نقش آفرین بوده‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که سیاست‌های اخراج و بازگشت در ایران بیش از آن که بر اصول حقوق بشری و قواعد بین‌المللی استوار باشد، تابع شرایط ژئوپلیتیکی و ملاحظات امنیتی کوتاه‌مدت است؛ امری که می‌تواند به تشدید بحران انسانی در افغانستان و افزایش فشارهای بین‌المللی بر ایران بینجامد.

استناد به این مقاله:

امینی جشوقانی، ارشیا و سازمند، بهاره (۱۴۰۳). تحلیل علل تشدید سیاست‌های اخراج و بازگشت مهاجران افغانستانی در ایران (۱۴۰۳-۱۴۰۴). پژوهشنامه نظم‌های منطقه‌ای آسیا. ۳، (۱)، ۶۲-۲۹.

\* نویسنده مسئول:

**روش:** پژوهش با رویکرد تحلیلی-تبیینی و با بهره‌گیری از چارچوب نظری «امنیت‌سازی» انجام شده است. داده‌ها به روش اسنادی و تحلیل محتوای کیفی از منابع ثانویه شامل گزارش‌های رسمی (مرکز پژوهش‌های مجلس، وزارت کشور)، خبرگزاری‌ها (ایرنا، تسنیم، فارس)، پژوهش‌های دانشگاهی، گزارش‌های نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی، سازمان بهداشت جهانی و نیز منابع معتبر خبری بین‌المللی گردآوری و تحلیل شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش گویای آن است که مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی در تشدید سیاست‌های اخراج و بازگشت نقش داشته‌اند:

۱. **عوامل اقتصادی-اجتماعی:** تورم بالا، کاهش درآمدهای نفتی، تحریم‌ها، نرخ بیکاری ۲۰ درصدی در میان جوانان (و ۳۵ درصدی در زنان جوان)، فشار بر خدمات عمومی (آموزش، بهداشت، مسکن) و رقابت بر سر مشاغل کم‌مهارت.
۲. **عوامل امنیتی و منطقه‌ای:** تشدید تنش‌های ایران و اسرائیل (جنگ ۱۲ روزه ژوئن ۲۰۲۵) و حملات متناسب به اسرائیل به زیرساخت‌های نظامی ایران که حضور مهاجران بی‌مدرک را به «خلأ امنیتی بالقوه» تبدیل کرد. نهادهای امنیتی نسبت به نفوذ عناصر خرابکار و سوءاستفاده دشمنان هشدار دادند.
۳. **گفتمان هویتی و سیاسی‌سازی مسئله مهاجران:** رسانه‌ها و برخی مقامات، مهاجران را عامل بیکاری، گرانی و ناامنی معرفی کرده و بازگشت آنان را وظیفه ملی و امنیتی جلوه دادند.
۴. **فقدان هماهنگی نهادی:** پراکندگی مسئولیت بین وزارت کشور، نیروی انتظامی، وزارت خارجه و نهادهای امنیتی موجب سردرگمی و دوگانگی در سیاست‌گذاری شده است.
۵. **ضعف حمایت جامعه جهانی:** کمک‌های بین‌المللی (UNHCR) تنها بخش ناچیزی از هزینه‌های میزبانی چند میلیون مهاجر را پوشش می‌دهد. بر اساس آمارهای ارائه‌شده، در سال ۲۰۲۴ بیش از ۷۵۰ هزار مهاجر اخراج شدند و در سال ۲۰۲۵ این رقم به بیش از ۱.۵ میلیون نفر رسید. پس از جنگ ۱۲ روزه، تنها طی ۱۶ روز بیش از ۵۰۸ هزار نفر اخراج شدند. ایران هدف اخراج تا ۴ میلیون مهاجر را تعیین کرده است. ۷۰ درصد بازگشت‌کنندگان به‌اجبار بوده و حدود یک‌چهارم آنان کودک هستند.

**نتیجه‌گیری:** سیاست‌های اخراج و بازگشت در ایران بیش از آنکه بر اصول حقوق بشری و قواعد بین‌المللی استوار باشد، تابع شرایط ژئوپلیتیکی و ملاحظات امنیتی کوتاه‌مدت است. جنگ ۱۲ روزه با

اسرائیل به‌عنوان یک «عامل شتاب‌دهنده» عمل کرده و گفتمان امنیتی را مشروعیت بخشیده است. این رویکرد می‌تواند به تشدید بحران انسانی در افغانستان (فقر، بی‌سرپناهی، سرکوب زنان توسط طالبان)، افزایش فشارهای دیپلماتیک و انتقادات بین‌المللی علیه ایران، و در بلندمدت تضعیف ثبات اجتماعی و امنیت داخلی خود ایران منجر شود. پژوهشگران بازنگری سیاست‌ها با تأکید بر ابعاد انسانی و حقوقی و افزایش حمایت جامعه جهانی را ضروری می‌دانند.

**واژگان کلیدی:** مهاجران افغانستانی، اخراج اجباری، بازگشت داوطلبانه، امنیت‌سازی، ایران.

### سرآغاز

جمهوری اسلامی ایران از دهه ۱۳۶۰ تاکنون یکی از مهم‌ترین مقاصد مهاجرت افغان‌ها بوده است. جنگ‌های داخلی، اشغال خارجی و ناامنی در افغانستان سبب شده که میلیون‌ها افغان به ایران پناه آورند. با این حال، در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از بازگشت طالبان به قدرت (۱۴۰۰/۲۰۲۱) موج جدیدی از مهاجرت افغان‌ها به ایران آغاز شد که هم‌زمان با بحران‌های اقتصادی، کاهش درآمدهای نفتی، تحریم‌های شدید و تشدید بیکاری در ایران بود. این تحولات، فشارهای اجتماعی و اقتصادی مضاعفی بر دولت و جامعه ایران وارد کرد. علاوه بر این عوامل داخلی و اقتصادی، تشدید تنش‌های منطقه‌ای میان ایران و اسرائیل که به‌ویژه در قالب حملات متقابل در سوریه و حمله‌های منتسب به اسرائیل علیه زیرساخت‌های نظامی ایران در ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ اوج گرفت، سبب تقویت نگاه امنیتی در سیاست‌گذاری‌های داخلی ایران شد. در این فضا، بخشی از نهادهای امنیتی ایران، حضور گسترده مهاجران افغان فاقد مدارک شناسایی و اقامتی را به‌عنوان یک «خلأ امنیتی بالقوه» قلمداد کردند و نسبت به احتمال نفوذ عناصر خرابکار یا سوءاستفاده دشمنان از وضعیت نابسامان مهاجران هشدار دادند. در چنین شرایطی، سیاست دولت در قبال مهاجران افغان که در ابتدا با همدلی و پذیرش همراه بود، از ۱۴۰۲ به تدریج به سمت اخراج اجباری یا اعمال فشار بر بازگشت «داوطلبانه» تغییر مسیر داد.

این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که **علل اصلی شکل‌دهنده به سیاست‌های اخیر ایران در قبال مهاجران افغانستانی چیست؟** و به‌ویژه این‌که چگونه ترکیب عوامل اقتصادی، اجتماعی و امنیتی - از جمله تأثیر تنش‌های منطقه‌ای و درگیری ایران و اسرائیل - در شکل‌گیری این سیاست‌ها نقش داشته است؟ این پژوهش به شیوه تحلیلی - توصیفی و با بهره‌گیری از داده‌های ثانویه گزارش‌های رسمی، خبرگزاری‌ها، پژوهش‌های دانشگاهی و داده‌های نهادهای بین‌المللی مانند UNHCR انجام شده است.

براین اساس، در ابتدا این پژوهش به توضیح مبانی نظری می‌پردازد و سپس، به توضیح علل اتخاذ سیاست‌های ایران در قبال مهاجران افغانستانی و همچنین تحلیل آن‌ها پرداخته خواهد شد و در انتها، به بررسی و جمع‌بندی پرداخته می‌شود.

### ۱. پیشینه پژوهش

۱. صادقی، محمدرضا و همکاران. (۱۴۰۱). «مهاجرت افغان‌ها و چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه سیاست خارجی*. این مقاله به بررسی پیامدهای امنیتی حضور گسترده مهاجران افغان در ایران می‌پردازد و نشان می‌دهد که نگرانی‌های مربوط به قاچاق مواد مخدر، تروریسم و بی‌ثباتی اجتماعی، از عوامل مهم سیاست‌های محدودکننده ایران بوده‌اند. همچنین تأکید می‌کند که نبود حمایت بین‌المللی، فشار مضاعفی بر ایران وارد کرده است.

۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۲). «بررسی وضعیت مهاجران افغان در ایران و سیاست‌های پیشنهادی برای ساماندهی آنان». گزارش کارشناسی. این گزارش رسمی تحلیلی جامع از وضعیت آماری مهاجران افغان در ایران، روندهای مهاجرت پس از ۱۴۰۰، چالش‌های اقتصادی و اجتماعی و پیشنهاد‌های سیاستی ارائه می‌کند. در بخشی از این گزارش نیز به نگرانی‌های امنیتی در شرایط تنش‌های منطقه‌ای اشاره شده است.

۳. سجادی، امیر. (۱۳۹۹). «ابعاد ژئوپلیتیکی و امنیتی مهاجرت اتباع افغانستان به ایران». *فصلنامه جغرافیای سیاسی*. این مقاله بر نقش جغرافیای مرزی شرق ایران، ضعف کنترل مرزها و تأثیر مهاجران بر امنیت مرزی و ژئوپلیتیک ایران تمرکز دارد و حضور غیرقانونی مهاجران را یک خلأ امنیتی بالقوه برای دشمنان ایران می‌داند.

۴. مونس‌تی، آلساندرو (۱۳۹۶) *فراملی‌گرایی افغان‌ها و ایران: مهاجرت، طرد و ادغام*.

انتشارات راتلج.

این کتاب، مهاجرت افغان‌ها به ایران را در بستر تحولات تاریخی و سیاست‌های ملی ایران بررسی می‌کند. نویسنده نشان می‌دهد که سیاست‌های مهاجرتی ایران میان پذیرش انسانی و نگاه امنیتی متغیر بوده است و چالش‌های اقتصادی و منطقه‌ای، بر تشدید نگاه امنیتی اثر داشته‌اند.

۵. مجیدی، نجلا. (۱۴۰۱). «پناهندگان افغان و سیاست مهاجرتی ایران پس از بازگشت طالبان به قدرت. فصلنامه مطالعات پناهندگان، انتشارات دانشگاه آکسفورد. این مقاله به‌طور خاص، به موج مهاجرت پس از ۱۴۰۰ (بازگشت طالبان) می‌پردازد و سیاست‌های اخیر ایران را تحلیل می‌کند. نویسنده استدلال می‌کند که شرایط منطقه‌ای، از جمله تهدیدات امنیتی و درگیری‌های نیابتی با اسرائیل و متحدانش، موجب تشدید سیاست‌های بازدارنده ایران شده است.

۶. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان (UNHCR)/ایران: گزارش وضعیت پناهندگان افغانستان. گزارش وضعیت کمیساریای عالی پناهندگان درباره مهاجران افغان در ایران که روندهای جمعیتی، چالش‌ها و پاسخ‌های سیاستی ایران را ثبت می‌کند و بر ضرورت حمایت بین‌المللی تأکید دارد.

همان‌طور که مرور ادبیات نشان می‌دهد، پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر سه دسته عامل تأکید کرده‌اند: فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر جامعه میزبان؛ نگرانی‌های امنیتی ناشی از حضور اتباع بی‌مدرک و تهدیدات مرزی؛ ضعف حمایت جامعه جهانی از ایران به‌عنوان میزبان بزرگ‌ترین جمعیت مهاجران افغان. در عین حال، کمتر پژوهشی به‌طور دقیق به تأثیر مستقیم درگیری‌های ایران و اسرائیل بر سیاست‌های مهاجرتی پرداخته است؛ بنابراین، مقاله حاضر با تمرکز بر این پیوند امنیتی-منطقه‌ای و ژئوپلیتیک، نوآوری تحلیلی خواهد داشت.

## ۲. چارچوب نظری

این مقاله با توضیح مفهوم امنیت سازی، به تحلیل سیاست‌های ایران در قبال مهاجران افغانستانی می‌پردازد. نظریه امنیت سازی که عمدتاً توسط باری بوزان، آله وور و جفری ولر در دهه ۱۹۹۰ توسعه یافت، یکی از رویکردهای اصلی در مطالعات امنیتی و روابط بین‌الملل است و به تحلیل فرآیند تبدیل مسائل عادی سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی به «مسائل امنیتی» می‌پردازد. بر اساس این نظریه، یک موضوع یا پدیده، زمانی به یک مسئله امنیتی تبدیل می‌شود که بازیگران سیاسی یا نهادهای قدرت آن را به‌عنوان تهدیدی فوری و وجودی برای یک واحد اجتماعی (کشور، ملت یا جامعه بین‌المللی) معرفی کنند. در این فرآیند، امنیت‌سازی شامل سه مؤلفه کلیدی است (Buzan, 1998):

**الف. گفتار امنیتی:** بازیگران اصلی که معمولاً سیاست‌مداران، نهادهای امنیتی یا مقامات دولتی هستند، با استفاده از زبان امنیتی و هشداردهنده، موضوعی را به‌عنوان تهدیدی حیاتی معرفی می‌کنند. این گفتار، مشروعیت لازم برای اعمال سیاست‌های اضطراری و خارج از چارچوب عادی را فراهم می‌کند.

**ب. شنونده یا مخاطب:** برای موفقیت امنیت‌سازی، این مخاطبان-شامل مردم، نهادهای دولتی و جامعه بین‌الملل-باید پذیرش کنند که موضوع مطرح‌شده واقعاً تهدیدی وجودی است. پذیرش مخاطب، پایه مشروعیت اقدامات اضطراری و سیاست‌های سخت‌گیرانه است (Buzan et al, 1998).

**ج. اقدامات سیاستی و اجرایی:** هنگامی که موضوع به رسمیت شناخته شد، بازیگران می‌توانند از ابزارهای قانونی، اداری و گاه نظامی برای مقابله با تهدید استفاده کنند. این اقدامات معمولاً از چارچوب‌های معمول حکمرانی فراتر می‌روند و می‌توانند شامل محدودیت‌های حقوقی، کنترل اجتماعی، بازداشت یا اخراج افراد و حتی اقدامات نظامی باشند (Buzan et al, 1998). نظریه امنیت سازی تأکید می‌کند که

امنیت، یک واقعیت عینی نیست بلکه یک فرایند اجتماعی و سیاسی است؛ به این معنا که تهدیدات امنیتی تنها زمانی شکل می‌گیرند که بازیگران آن‌ها را به‌عنوان تهدید بشناسانند و برای آن‌ها سیاست‌گذاری کنند. به‌عبارت دیگر، تهدید امنیتی یک پدیده ساخته شده است و نه صرفاً یک واقعیت موجود. در کاربرد نظریه امنیت سازی به سیاست‌های مهاجرت، حضور گروه‌های مهاجر یا پناهنده می‌تواند توسط نهادهای دولتی یا امنیتی به‌عنوان یک تهدید امنیتی معرفی شود، حتی اگر در واقعیت تهدید مستقیم و ملموسی وجود نداشته باشد. این دیدگاه اجازه می‌دهد تا اقدامات سخت‌گیرانه مانند اخراج اجباری، محدودیت‌های قانونی یا فشار برای بازگشت داوطلبانه توجیه و مشروعیت پیدا کنند.

به‌طور خاص، در زمینه ایران، نظریه امنیت سازی توضیح می‌دهد که چگونه ترکیب عوامل اقتصادی (فشارهای معیشتی و بیکاری)، اجتماعی (تراکم جمعیتی و فشار بر خدمات عمومی) و منطقه‌ای (تنش‌ها و درگیری‌های بین‌المللی از جمله جنگ ایران و اسرائیل) باعث شد حضور مهاجران افغانستانی به یک موضوع امنیتی تبدیل شود و سیاست‌های دولت از پذیرش و حمایت انسانی به فشار و اخراج گسترده تغییر مسیر دهد (Buzan et al, 1998). در نهایت، نظریه امنیت‌سازی یک ابزار تحلیلی قدرتمند برای مطالعه سیاست‌های مهاجرتی فراهم می‌کند و امکان بررسی رابطه میان گفتار سیاسی، اقدامات امنیتی و پیامدهای اجتماعی و انسانی آن‌ها را به پژوهشگر می‌دهد.

### ۳. زمینه تاریخی حضور مهاجران افغان در ایران (پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷)

مهاجرت اتباع افغانستان به ایران سابقه‌ای دیرینه دارد و به سده‌های گذشته بازمی‌گردد؛ ولی مهاجرت‌های سازمان‌یافته و ورود جمعیت‌های بزرگ افغان‌ها به ایران در سده ۲۰ میلادی و به‌ویژه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خورشیدی شدت گرفت. پیش از قرن بیستم، مهاجرت افغان‌ها به ایران، اغلب در قالب کوچ‌های فصلی عشایر، جابه‌جایی‌های

تجاری و در مواردی به دلیل تنش های قبیله ای و درگیری های محلی در افغانستان رخ می داد؛ به ویژه مردم مناطق غربی افغانستان (هرات و نیمروز) به دلیل پیوندهای قومی و زبانی با خراسان و سیستان ایران، همواره در این مرزها رفت و آمد داشته اند (Monsutti, 2017).

### - مهاجرت در دهه های ۱۳۴۰-۱۳۲۰

در پی بی ثباتی سیاسی در افغانستان پس از حکومت ظاهرشاه و مشکلات اقتصادی مزمن آن کشور، مهاجرت کارگران افغان به ایران در دهه های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ آغاز شد. بیشتر مهاجران در این دوره، مردان جوان از استان های فقیر افغانستان بودند که برای یافتن کار در مزارع و پروژه های ساختمانی در استان های شرقی ایران و تهران به کشور وارد شدند. این مهاجرت ها عمدتاً غیررسمی و فصلی بود (UNHCR, 2001). همچنین رشد سریع اقتصاد ایران در دهه ۱۳۵۰ در پی جهش قیمت نفت و اجرای طرح های عمرانی و صنعتی گسترده، موجب شد که نیاز به نیروی کار ارزان قیمت افزایش یابد. از سوی دیگر، رکود اقتصادی و خشک سالی های پایانی در افغانستان در همین دوره، انگیزه های مهاجرت افغان ها را تشدید کرد. دولت ایران در این دوره، نسبت به حضور مهاجران افغان سکوت یا مدارا می کرد و برخی کارفرمایان ایرانی از حضور آنها در بازار کار استقبال می کردند (Kuschminder & Dora, 2009). گزارش های سازمان ملل نشان می دهد که در سال های پایانی حکومت پهلوی، جمعیت مهاجران افغان در ایران حدود ۳۰۰ هزار نفر برآورد می شد که عمدتاً در تهران، مشهد، زاهدان و استان های شرقی مستقر بودند (Monsutti, 2017). از عمده ویژگی های مهاجرت پیش از انقلاب می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اغلب مهاجران افغان در این دوره مجرد یا بدون خانواده بودند و پس از پایان فصل کار به کشور خود بازمی گشتند؛

- عمده مهاجران در بخش کشاورزی، ساختمان‌سازی و خدمات شهری مشغول به کار بودند؛

- مهاجرت بیشتر ناشی از دلایل اقتصادی و معیشتی بود و انگیزه‌های پناهندگی و سیاسی در آن نقشی نداشت.

- این مهاجرت‌ها عمدتاً بدون ثبت رسمی و بدون حمایت قانونی و سازمان‌یافته انجام می‌شد.

بنابراین، می‌توان گفت که پیش از انقلاب اسلامی، مهاجرت افغان‌ها به ایران بیشتر یک پدیده اقتصادی- کارگری و موقتی بود و هنوز به بحران انسانی یا چالش‌های اجتماعی- امنیتی گسترده منجر نشده بود؛ اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و بر اساس آموزه‌های اسلامی، انقلابی و اصول انسانی، جمهوری اسلامی ایران سیاستی نسبتاً باز و حمایت‌گرانه در قبال مهاجران و پناه‌جویان افغان اتخاذ کرد. هم‌زمان با تهاجم شوروی به افغانستان (۱۳۵۸)، موج گسترده‌ای از آوارگان افغان وارد ایران شدند. در این دهه، دولت ایران مهاجران افغان را «برادران دینی» تلقی کرده و به آن‌ها اجازه سکونت، کار و دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی عمومی داد، هرچند حضور آن‌ها به‌طور رسمی ثبت نمی‌شد و نظام مدونی برای حمایت از پناهندگان وجود نداشت (UNHCR, 2001). برآورد می‌شود که تا پایان دهه ۱۳۶۰ بیش از دو میلیون مهاجر افغان در ایران زندگی می‌کردند. اکثریت آن‌ها در استان‌های مرزی خراسان و سیستان و بلوچستان ساکن بودند، درحالی‌که بخش زیادی نیز به تهران، مشهد، قم و اصفهان مهاجرت کرده بودند تا در بخش‌های ساختمانی و خدماتی مشغول به کار شوند (صادقی، ۱۳۹۴).

**دهه ۱۳۷۰: تثبیت نسبی در افغانستان و تغییر رویکرد ایران**

با فروپاشی شوروی، عقب‌نشینی نیروهای شوروی از افغانستان (۱۳۶۸) و تشکیل دولت مجاهدین، وضعیت افغانستان نسبتاً تثبیت شد. در همین حال، ایران به دلیل

فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ تحمیلی و بازسازی پس از آن و همچنین افزایش نرخ بیکاری داخلی، سیاست‌های محدودکننده تری نسبت به مهاجران افغان اتخاذ کرد. در سال‌های میانی دهه ۱۳۷۰، ایران و کمیساریای عالی پناهندگان (UNHCR) توافق‌نامه‌ای برای بازگشت داوطلبانه مهاجران افغان امضا کردند و روند بازگشت مهاجران آغاز شد. همچنین ایران، کارت‌های اقامتی موقت به نام «برگه آمایش» برای ساماندهی مهاجران صادر کرد و از ورود غیرقانونی اتباع افغان جلوگیری کرد (Majidi, 2022). محدودیت‌هایی نیز برای اشتغال، تحصیل و سکونت مهاجران در برخی استان‌ها اعمال شد (Kuschminder & Dora, 2009).

در دهه ۱۳۸۰، با ادامه مشکلات اقتصادی داخلی، افزایش نرخ بیکاری و فشارهای اجتماعی، ایران سیاست‌های محدودکننده را تشدید کرد. در این دهه:

- صدور و تمدید کارت‌های آمایش به‌عنوان مجوز اقامت مشروط و موقت رایج شد؛  
- برخی مشاغل برای اتباع بیگانه، ممنوع اعلام شد؛

- سکونت مهاجران در برخی از استان‌ها و شهرها محدود و ممنوع شد؛

- طرح‌های «بازگشت داوطلبانه» و در برخی موارد «بازگرداندن اجباری» اجرا شد.

با این حال، ایران همچنان بیش از دو میلیون مهاجر افغان را در خاک خود نگه داشت و خدمات اولیه آموزشی و بهداشتی را برای آن‌ها فراهم کرد (UNHCR, 2010). سیاست ایران در این دوره، ترکیبی از رویکرد انسانی (ناشی از ملاحظات دینی و بین‌المللی) و نگاه امنیتی و اقتصادی (برای کاهش فشارهای داخلی) بود (صادقی، ۱۳۹۴).

وضعیت مهاجران افغان در ایران پس از ۱۴۰۰ و موج جدید مهاجرت و پیامدهای بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان در اوت ۲۰۲۱ (مرداد ۱۴۰۰) نقطه عطفی در تحولات مهاجرتی منطقه بود و موج جدیدی از مهاجرت اتباع افغانستان به کشورهای همسایه، به‌ویژه ایران و پاکستان را در پی داشت. با سقوط دولت پیشین و تشدید ناامنی، فقر گسترده، خشک‌سالی و تحریم‌های بین‌المللی علیه افغانستان، ایران بار دیگر

با هجوم صدها هزار مهاجر جدید افغان مواجه شد (Majidi, 2022; Monsutti, 2023). برآوردهای مختلف حاکی از آن است که جمعیت کل مهاجران و پناهجویان افغان در ایران پس از سال ۱۴۰۰ به حدود ۴ تا ۵ میلیون نفر رسیده است. درحالی‌که طبق آمار رسمی وزارت کشور و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR)، حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر از آنان دارای مدارک معتبر اقامتی هستند، اکثریت مهاجران جدید فاقد مدارک قانونی بوده و در وضعیت «غیررسمی» یا «بی‌مدرک» به سر می‌برند (UNHCR, 2023). بیشتر مهاجران جدید در استان‌های مرزی خراسان رضوی، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان وارد می‌شوند و سپس به کلان‌شهرهای تهران، مشهد، قم و کرج مهاجرت می‌کنند تا فرصت‌های شغلی بهتری بیابند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲). همچنین بسیاری از آن‌ها در مشاغل غیررسمی و با دستمزد پایین مشغول به کار می‌شوند.

این موج مهاجرتی چندین علت هم‌زمان دارد:

- سقوط دولت مرکزی و بازگشت طالبان به قدرت و نگرانی مردم از محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی جدید (Majidi, 2022)؛
- تشدید بحران اقتصادی افغانستان، به دلیل قطع کمک‌های خارجی و سقوط ارزش پول ملی (Monsutti, 2023).
- خشک‌سالی‌های پیاپی و بحران‌های محیط‌زیستی که معیشت روستاییان را نابود کرده است (Kuschminder & Dora, 2009).

#### ۴. پیامدهای حضور مهاجران جدید در ایران

##### ۴-۱. پیامدهای اقتصادی

حضور موج جدید مهاجران افغانستانی در ایران، به‌ویژه پس از بازگشت طالبان به قدرت در سال ۱۴۰۰، پیامدهای اقتصادی چندلایه‌ای به همراه داشته است که می‌توان آن را در حوزه‌های بازار کار، منابع عمومی و اقتصاد کلان بررسی کرد. در بخش بازار

کار، ورود گسترده مهاجران باعث افزایش عرضه نیروی کار ارزان و ایجاد رقابت مستقیم با کارگران ایرانی کم مهارت شده است، به‌ویژه در صنایعی مانند ساختمان‌سازی، کشاورزی، خدمات شهری و صنایع کوچک که به نیروی کار یدی وابسته‌اند (Majidi, 2022). این پدیده منجر به کاهش نسبی سطح دستمزدها در برخی مشاغل شده است (UNHCR, 2023). با این حال، مهاجران افغانستانی در بسیاری از موارد، خلأ موجود در مشاغل سخت، کم‌درآمد یا کم جذاب برای نیروی کار داخلی را پر کرده و مانع توقف پروژه‌ها یا افزایش بیش‌ازحد هزینه تولید می‌شوند (IOM, 2021). بخش قابل‌توجهی از اشتغال مهاجران، در حوزه غیررسمی صورت می‌گیرد که فاقد پوشش بیمه و قرارداد رسمی است. این امر موجب می‌شود که سهم آن‌ها در پرداخت مالیات و بیمه اندک باشد، هرچند به‌طور غیرمستقیم از خدمات و زیرساخت‌های عمومی بهره‌مند می‌شوند (Koser & McAuliffe, 2018). از منظر منابع و خدمات عمومی، حضور این جمعیت، فشار مضاعفی بر بودجه دولت و امکانات شهری وارد کرده است. مهاجران، حتی در صورت اقامت غیرقانونی، از یارانه‌های انرژی، سوخت و کالاهای اساسی بهره‌مند می‌شوند که هزینه‌های دولت را افزایش می‌دهد (Majidi, 2022). همچنین، رشد تقاضا برای مسکن در مناطق ارزان‌قیمت، به افزایش اجاره‌بها و قیمت مسکن در این مناطق منجر شده است (UNHCR, 2023). حضور کودکان افغان در مدارس دولتی و استفاده مهاجران از خدمات درمانی فشار مضاعفی بر نظام آموزشی و بهداشتی کشور ایجاد کرده و نیاز به تخصیص منابع بیشتر را افزایش داده است (IOM, 2021).

در بعد اقتصاد کلان، یکی از آثار مهم، خروج ارز از کشور از طریق ارسال حواله‌ها و کمک‌های مالی به خانواده‌ها در افغانستان است که می‌تواند بر تراز پرداخت‌ها و ذخایر ارزی ایران تأثیر منفی بگذارد (World Bank, 2023). همچنین، محدودیت‌های قانونی در دسترسی به مشاغل رسمی، بخشی از مهاجران را به سمت فعالیت در اقتصاد غیررسمی یا تجارت مرزی غیرقانونی سوق داده که گاهی با افزایش قاچاق کالا و ارز

همراه است (Koser & McAuliffe, 2018). از سوی دیگر، هزینه‌های امنیتی و مرزبانی برای کنترل ورود و مدیریت جمعیت مهاجران نیز افزایش یافته است. با وجود این چالش‌ها، حضور مهاجران می‌تواند ظرفیت‌های مثبتی نیز داشته باشد. در بخش‌هایی که کمبود نیروی کار وجود دارد، مهاجران از توقف فعالیت‌ها جلوگیری کرده و حتی برخی با مهارت‌های فنی یا تجربه کارآفرینی خود می‌توانند به رشد صنایع کوچک و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید کمک کنند (IOM, 2021). در مجموع، آثار اقتصادی حضور مهاجران جدید افغان در ایران ترکیبی از فشارهای مالی، اجتماعی و زیرساختی در کنار فرصت‌های بالقوه برای بهره‌برداری از نیروی کار ارزان و ماهر است. بهره‌گیری از این فرصت‌ها و کاهش پیامدهای منفی، نیازمند سیاست‌گذاری هوشمندانه‌ای است که بین الزامات اقتصادی، الزامات انسانی و امنیت ملی توازن برقرار کند.

#### ۲-۴. پیامدهای اجتماعی

حضور موج جدید مهاجران افغان در ایران، به‌ویژه پس از تحولات سیاسی افغانستان در سال ۱۴۰۰، پیامدهای اجتماعی متنوعی را به همراه داشته که هم جامعه میزبان و هم خود مهاجران را تحت تأثیر قرار داده است. از نظر ترکیب جمعیتی، ورود گسترده مهاجران باعث تغییر بافت اجتماعی در برخی مناطق، به‌ویژه استان‌های مرزی نظیر خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان و کرمان شده است. در برخی شهرها، نسبت جمعیت مهاجر به جمعیت بومی به حدی افزایش یافته که منجر به شکل‌گیری محله‌های عمدتاً مهاجرنشین شده است. این امر، در صورت نبود سیاست‌های ادغام اجتماعی، می‌تواند به افزایش فاصله اجتماعی و فرهنگی میان گروه‌های مختلف منجر شود (سعیدی و حسینی، ۱۳۹۸). در حوزه فرهنگی، نزدیکی زبانی، مذهبی و تاریخی میان افغان‌ها و ایرانیان زمینه‌ای برای تعامل فراهم کرده است، اما تفاوت‌های فرهنگی، سبک زندگی و الگوهای رفتاری گاه موجب بروز سوءتفاهم یا تنش‌های اجتماعی می‌شود. این تفاوت‌ها، در کنار تراکم جمعیت مهاجر در مناطق خاص، می‌تواند مانع از

ادغام کامل آنان در جامعه میزبان شود (رحمانی، ۱۳۹۷). در حوزه خدمات اجتماعی، افزایش تعداد مهاجران فشار مضاعفی بر نظام آموزش و بهداشت وارد کرده است. حضور تعداد زیاد دانش‌آموزان افغان در مدارس دولتی، به‌ویژه در مناطق مهاجرپذیر، تراکم دانش‌آموزی را بالا برده و گاهی کیفیت آموزشی را تحت تأثیر قرار داده است (عباسی، ۱۳۹۹). در بخش بهداشت نیز، استفاده مهاجران از مراکز درمانی دولتی، هزینه‌های اضافی بر سیستم سلامت تحمیل کرده و به چالش در تأمین منابع منجر شده است (وزارت بهداشت، ۱۴۰۱).

از نظر امنیت اجتماعی نیز وجود مهاجران فاقد اسناد قانونی، نگرانی‌هایی در خصوص شناسایی هویت، کنترل فعالیت‌ها و پیشگیری از جرائم ایجاد کرده است. هرچند شواهد نشان می‌دهد که اکثریت مهاجران قانون‌مدار هستند، اما شرایط دشوار اقتصادی، محدودیت‌های قانونی و تمرکز جمعیتی در مناطق خاص می‌تواند زمینه بروز برخی آسیب‌های اجتماعی مانند کار کودکان، ازدواج زودهنگام و اشتغال غیرقانونی را فراهم سازد (صالحی، ۱۴۰۰). با وجود این چالش‌ها، مهاجران افغانستانی دارای شبکه‌های حمایتی درون جامعه‌ای قوی هستند که از طریق آن‌ها به تازه‌واردان در یافتن کار، مسکن و انطباق با شرایط جدید کمک می‌شود. این همبستگی می‌تواند پایداری اجتماعی آنان را افزایش دهد، هرچند در صورت نبود ارتباط سازنده با جامعه میزبان، خطر انزوای اجتماعی نیز وجود دارد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱).

در مجموع، پیامدهای اجتماعی حضور مهاجران جدید افغان در ایران ترکیبی از ظرفیت‌های مثبت مانند: تنوع فرهنگی و تکمیل نیروی انسانی و چالش‌هایی چون: فشار بر زیرساخت‌های اجتماعی و احتمال تعمیق شکاف‌های فرهنگی است. مدیریت این شرایط نیازمند سیاست‌های جامع ادغام اجتماعی، بهبود زیرساخت‌های خدمات عمومی و ایجاد فرصت‌های برابر برای تعامل فرهنگی میان دو جامعه است.

#### ۳-۴. پیامدهای امنیتی

نگرانی‌هایی نیز در نهادهای امنیتی ایران درباره احتمال نفوذ عناصر خرابکار در پوشش مهاجران افغان، به‌ویژه در سایه تشدید تنش‌های منطقه‌ای مطرح شده است (Monsutti, 2023). همچنین پیامدهای امنیتی حضور مهاجران جدید در ایران را می‌توان از چند زاویه بررسی کرد که به‌طورکلی شامل تهدیدات بالقوه، چالش‌های کنترل و مدیریت و اثرات بلندمدت بر امنیت داخلی و منطقه‌ای می‌شود.

افزایش ناگهانی جمعیت مهاجر، به‌ویژه در شرایطی که ورود آن‌ها به‌صورت غیرقانونی یا بدون کنترل دقیق مرزی صورت می‌گیرد، می‌تواند به افزایش جرائم سازمان‌یافته، قاچاق انسان، مواد مخدر و کالا منجر شود (حسینی، ۱۳۹۹). علاوه بر این، فقدان نظام ثبت و پایش دقیق مهاجران، امکان شناسایی عناصر تبهکار یا افراد وابسته به گروه‌های تروریستی را دشوار می‌سازد. از منظر امنیت ملی، بخشی از نگرانی‌ها مربوط به احتمال نفوذ عناصر افراط‌گرا یا عوامل اطلاعاتی دشمن در پوشش مهاجران است. تجربه کشورهای همسایه نیز نشان داده که مهاجرت‌های کنترل نشده در شرایط تنش سیاسی یا جنگ‌های منطقه‌ای، می‌تواند به ابزار فشار و بی‌ثبات‌سازی تبدیل شود (رحیمی، ۱۴۰۱).

همچنین، تمرکز بالای جمعیت مهاجر در مناطق خاص ممکن است به شکل‌گیری «جزایر فرهنگی - اجتماعی» منجر شود که گاه با ساختار فرهنگی و سیاسی کشور میزبان همخوانی ندارند و در بلندمدت می‌توانند زمینه‌ساز تنش‌های قومی و اجتماعی باشند. این وضعیت، به‌ویژه در شرایط بحران اقتصادی یا سیاسی، مستعد ایجاد اعتراضات یا ناآرامی‌های محلی است (موسوی، ۱۴۰۰). همچنین ابعاد امنیتی حضور مهاجران تنها داخلی نیست؛ تغییر در نسبت جمعیتی و تعاملات میان دولت ایران و بازیگران افغانستانی و منطقه‌ای می‌تواند بر مناسبات راهبردی اثر بگذارد. برخی نهادهای پژوهشی هشدار داده‌اند که مدیریت نامناسب جریان‌های انسانی ممکن است به ابزاری در رقابت‌های منطقه‌ای تبدیل شود یا روابط دوجانبه را پیچیده‌تر سازد. از

این‌رو، بخش قابل‌توجهی از راهکارهای پیشنهادی بر سیاست خارجی هماهنگ و دیپلماسی منطقه‌ای تأکید می‌کنند؛ بنابراین، از منظر امنیتی، مدیریت حضور مهاجران جدید مستلزم رویکردی چندلایه شامل کنترل مرزها، پایش هویتی و مکانی و برنامه‌های ادغام اجتماعی است تا تهدیدات بالقوه به فرصت تبدیل شود و امنیت داخلی حفظ شود.

### ۵. سیاست‌های اخیر ایران

در برابر موج جدید مهاجرت، سیاست‌های ایران ترکیبی از اقدامات حمایتی اولیه (تسهیل ورود در ماه‌های نخست) و در ادامه، تلاش برای ساماندهی، محدودیت‌ها و حتی طرح‌های اخراج مهاجران بی‌مدرک بوده است (UNHCR, 2023). از جمله اقدامات اخیر، می‌توان به اجرای طرح‌های جدید ثبت‌نام مهاجران فاقد مدرک، محدود کردن اشتغال مهاجران به برخی مشاغل خاص و بازگرداندن اجباری یا «داوطلبانه» بخشی از مهاجران اشاره کرد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲). سیاست‌های مهاجرتی ایران در دوره پس از ۱۴۰۰ تحت تأثیر ترکیبی از عوامل اقتصادی، امنیتی، سیاسی و اجتماعی قرار گرفت. بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان (۱۴۰۰/۲۰۲۱) باعث موج جدید مهاجرت افغان‌ها به ایران شد، اما بحران‌های هم‌زمان داخلی، دولت ایران را به سمت سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر سوق داد (Majidi, 2022).

### الف. عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

ایران در این دوره با بحران‌های اقتصادی جدی مواجه بود که از جمله آن‌ها می‌توان به تورم بالا، کاهش درآمدهای نفتی و تحریم‌های بین‌المللی اشاره کرد. این شرایط موجب افزایش نرخ بیکاری، به‌ویژه در میان جوانان و زنان و کاهش فرصت‌های شغلی برای شهروندان ایرانی شد. بر اساس گزارش‌ها، نرخ بیکاری در میان جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله

در سال ۱۴۰۴ حدود ۲۰ درصد بود که در میان زنان این گروه سنی به ۳۵ درصد می‌رسید (Economy of Iran, 2023). در این شرایط، حضور گسترده مهاجران افغانستانی در بازار کار، به‌ویژه در بخش‌های غیررسمی و با دستمزد پایین، به‌عنوان یک عامل فشار بر منابع شغلی و اجتماعی کشور تلقی شد. این امر موجب نگرانی‌هایی در مورد اشتغال و رفاه اجتماعی شد و به‌تدریج، به سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری در قبال مهاجران منجر شد.

حضور بیش از ۴ میلیون مهاجر افغانستانی در ایران که بسیاری از آن‌ها فاقد مدارک قانونی بودند، فشار زیادی بر زیرساخت‌های اجتماعی و خدمات عمومی وارد کرد. این فشارها شامل افزایش تقاضا برای خدمات بهداشتی، آموزشی، مسکن و حمل‌ونقل عمومی بود که در شرایط اقتصادی دشوار، تأمین آن‌ها برای دولت و جامعه محلی چالش‌برانگیز بود. در نتیجه، دولت ایران به‌منظور کاهش این فشارها، سیاست‌های اخراج اجباری و بازگشت داوطلبانه مهاجران را تشدید کرد. بر اساس گزارش‌ها، در سال ۲۰۲۴ بیش از ۷۵۰ هزار مهاجر افغان از ایران اخراج شدند که این روند در سال ۲۰۲۵ نیز ادامه یافت (Daniyal Ranjbar Meshkin, 2025).

ترکیب فشارهای اقتصادی داخلی و افزایش تراکم جمعیتی ناشی از حضور مهاجران افغانستانی، زمینه‌ساز تغییرات اساسی در سیاست‌های مهاجرتی ایران شد. این تغییرات که با نگرانی‌های امنیتی و اجتماعی همراه بود، به تشدید روند اخراج‌های اجباری و کاهش حمایت‌های قانونی از مهاجران منجر شد. این سیاست‌ها، اگرچه در کوتاه‌مدت ممکن است به کاهش فشارهای اقتصادی و اجتماعی کمک کرده باشند، اما در بلندمدت می‌توانند به بحران‌های انسانی و بین‌المللی بیشتری منجر شوند.

بحران اقتصادی ناشی از تشدید تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران (از ۲۰۱۸ و با ادامه در سال‌های ۱۴۰۰-۱۴۰۴)، کاهش صادرات نفت، افت ارزش ریال و تورم بی‌سابقه، منابع دولت برای حمایت از مهاجران را به‌شدت محدود کرد (World Bank, 2023). فشار گروه‌های ملی‌گرا و بخشی از افکار عمومی ایران برای «اولویت دادن به

ایرانیان» در بازار کار و خدمات اجتماعی، در سال‌های اخیر افزایش یافته است. در رسانه‌ها و فضای مجازی، مهاجران افغان گاه به‌عنوان عامل بیکاری، گرانی و ناامنی معرفی شده‌اند که زمینه حمایت از سیاست‌های سخت‌گیرانه دولت را فراهم کرده است (Majidi, 2022). از سوی دیگر، نبود حمایت مالی و فنی کافی از سوی جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی از جمله (UNHCR) برای میزبانی میلیون‌ها مهاجر، ایران را با بار مالی سنگینی مواجه کرده است. در سال ۲۰۲۳، ایران خواستار افزایش کمک‌های بین‌المللی به ارزش حداقل ۷۰۰ میلیون دلار برای تأمین نیازهای مهاجران شد، اما کمک‌ها کمتر از نیمی از این مبلغ بود (UNHCR, 2023). از این رو، ناکافی بودن کمک‌های جهانی و فشار افکار عمومی، دولت را به سمت سیاست‌های بازگشت داوطلبانه یا اخراج مهاجران سوق داد (UNHCR, 2023).

### ب. عوامل امنیتی و منطقه‌ای

دولت و نهادهای امنیتی ایران همواره نگرانی‌های فزاینده‌ای در مورد امکان نفوذ گروه‌های افراطی (مانند داعش - خراسان) یا مخالفان سیاسی نظام از طریق موج گسترده مهاجران بی‌مدرک ابراز کرده‌اند (Monsutti, 2023). قاچاقچیان مواد مخدر و انسان نیز از شرایط نابسامان مرزی سوءاستفاده کرده و مهاجران را در معرض استثمار و شبکه‌های غیرقانونی قرار داده‌اند (UNODC, 2022). همچنین، گزارش‌هایی از خشونت‌های پراکنده و درگیری‌های اجتماعی در برخی شهرها (به‌ویژه در کرج، مشهد و تهران) بین ایرانیان و مهاجران منتشر شده که نگرانی‌های امنیتی و اجتماعی را تشدید کرده است (Majidi, 2022). در واقع، مهاجران بدون مدرک شناسایی، در گفتمان امنیت ملی به‌عنوان یک «خلأ امنیتی بالقوه» بازنمایی شده‌اند (Monsutti, 2023).

از سوی دیگر در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵ (خرداد ۱۴۰۴)، سیاست‌های مهاجرتی ایران در قبال مهاجران

افغانستانی به طور چشمگیری سخت‌گیرانه‌تر شده است. یکی از دلایل اصلی این تغییرات، نگرانی‌های امنیتی ناشی از تنش‌های منطقه‌ای و درگیری‌های نظامی با اسرائیل بود. مقامات ایرانی، به‌ویژه نهادهای امنیتی، حضور گسترده مهاجران افغان را به‌عنوان یک «خلأ امنیتی بالقوه» تلقی کردند و نسبت به احتمال نفوذ عناصر خرابکار یا سوءاستفاده دشمنان از وضعیت نابسامان مهاجران هشدار دادند. این نگرانی‌ها به‌ویژه پس از وقوع حملات منتسب به اسرائیل علیه زیرساخت‌های نظامی ایران در سال ۱۴۰۴ شدت گرفت و موجب تقویت نگاه امنیتی در سیاست‌گذاری‌های داخلی ایران شد (Siavoshi, 2025). در این راستا، دولت ایران اقدام به اخراج اجباری شمار زیادی از مهاجران افغان کرد. بر اساس گزارش‌ها، در سال ۲۰۲۵ بیش از ۱.۵ میلیون مهاجر افغان از ایران اخراج شدند که این روند با شدت بیشتری پس از جنگ با اسرائیل ادامه یافت. مقامات ایرانی اعلام کردند که این اخراج‌ها، به‌منظور مقابله با تهدیدات امنیتی و کاهش فشارهای اقتصادی ناشی از حضور گسترده مهاجران انجام می‌شود. این اقدامات که به‌ویژه بر مهاجران فاقد مدارک قانونی تأثیر گذاشت، با انتقادات گسترده‌ای از سوی سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری مواجه شد و نگرانی‌هایی در مورد نقض حقوق بشر و اصول بین‌المللی پناهندگی برانگیخت. در نهایت، این تحولات نشان‌دهنده آن است که سیاست‌های مهاجرتی ایران در قبال مهاجران افغانستانی بیش از آن‌که بر اصول حقوق بشری استوار باشد، تحت تأثیر ملاحظات امنیتی و ژئوپلیتیکی قرار دارد. این رویکرد، می‌تواند پیامدهای انسانی و منطقه‌ای قابل‌توجهی به دنبال داشته باشد و نیازمند بازنگری و توجه بیشتر به ابعاد انسانی و حقوقی مسئله مهاجرت است (Motamedi, 2025).

### ج. سیاست‌گذاری و نهادها

در سال‌های ۱۴۰۳-۱۴۰۴، سیاست‌های مهاجرتی جمهوری اسلامی ایران در قبال مهاجران افغانستانی به‌ویژه در زمینه اخراج‌های اجباری و کاهش حمایت‌های قانونی،

تحت تأثیر فقدان هماهنگی میان نهادهای مسئول و استفاده از گفتمان هویتی قرار گرفت. در ایران، نهادهای مختلفی مسئولیت سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های مهاجرتی را بر عهده دارند؛ از جمله وزارت کشور، وزارت امور خارجه، نیروی انتظامی و سازمان‌های امنیتی. این پراکندگی مسئولیت‌ها منجر به نبود یک استراتژی منسجم و هماهنگ در قبال مهاجران افغان شد. به‌عنوان مثال، درحالی‌که وزارت کشور در برخی دوره‌ها به پذیرش و حمایت از مهاجران تأکید داشت، نهادهای امنیتی و انتظامی با رویکردی سخت‌گیرانه‌تر، به اخراج و محدودیت‌های قانونی پرداخته‌اند. این عدم هماهنگی، موجب سردرگمی در سیاست‌گذاری و اجرای آن و در نتیجه، افزایش فشار بر مهاجران شد (European Union Agency for Asylum, 2022). همچنین در کنار فقدان هماهنگی نهادی، استفاده از گفتمان هویتی در سیاست‌گذاری مهاجرتی نیز نقش مهمی ایفا کرد. برخی مقامات ایرانی، مهاجران افغان را به‌عنوان تهدیدی برای هویت ملی و فرهنگی کشور معرفی کردند. این رویکرد که به‌ویژه در رسانه‌ها و سخنرانی‌های عمومی مشاهده می‌شود، به مشروعیت بخشی به اقدامات سخت‌گیرانه مانند اخراج‌های اجباری و محدودیت‌های قانونی کمک کرده است. استفاده از این گفتمان، علاوه بر افزایش فشار بر مهاجران، موجب تشدید تبعیض و ناآرامی‌های اجتماعی در برخی مناطق شده است (Habibi Doroh, 2025). ترکیب فقدان هماهنگی میان نهادهای مسئول و استفاده از گفتمان هویتی، موجب شد که سیاست‌های مهاجرتی ایران در قبال مهاجران افغانستانی به‌جای آن‌که بر اصول حقوق بشری و قواعد بین‌المللی استوار باشد، تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و هویتی قرار گیرد. این رویکرد، علاوه بر افزایش فشار بر مهاجران، می‌تواند به بحران‌های انسانی و منطقه‌ای بیشتری منجر شود و نیازمند بازنگری و توجه بیشتر به ابعاد انسانی و حقوقی مسئله مهاجرت است. ترکیب این عوامل، موجب شد حضور مهاجران افغانستانی در ایران به تهدیدی امنیتی تعبیر شود و سیاست‌های دولت از پذیرش انسانی به سیاست‌های فشار و اخراج، تغییر مسیر دهد. این تغییرات که با نگرانی‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی همراه بود، به تشدید روند

اخراج‌های اجباری و کاهش حمایت‌های قانونی از مهاجران منجر شد. این سیاست‌ها، اگرچه در کوتاه‌مدت ممکن است به کاهش فشارهای اقتصادی و اجتماعی کمک کرده باشند، اما در بلندمدت می‌توانند به بحران‌های انسانی و بین‌المللی بیشتری منجر شوند. از سوی دیگر یکی از عوامل کلیدی که سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه ایران در قبال مهاجران افغان را در سال‌های اخیر شکل داده است، نبود حمایت کافی مالی، فنی و سیاسی از سوی جامعه جهانی و کاهش مستمر کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی برای میزبانی این جمعیت بزرگ بوده است (Majidi, 2022; UNHCR, 2023). ایران برای دهه‌ها میزبان یکی از بزرگ‌ترین جمعیت‌های مهاجران و پناهجویان جهان بوده است، اما سهم ناچیز کمک‌های سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی در پوشش هزینه‌های کلان میزبانی، به‌ویژه در شرایط رکود اقتصادی و تحریم‌ها، موجب نارضایتی سیاست‌گذاران ایرانی از جامعه جهانی شده است (Monsutti, 2023).

به گفته کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR, 2023)، علی‌رغم حضور چند میلیون افغان در ایران، کمک‌های اختصاص‌یافته برای خدمات‌رسانی به آن‌ها تنها بخش بسیار محدودی از هزینه‌های واقعی را جبران می‌کند. این وضعیت باعث شده که دولت ایران، تحت فشار کسری بودجه و با استناد به «بی‌مسئولیتی جامعه جهانی»، اقدامات خود را در اعمال محدودیت‌ها توجیه کند (Majidi, 2022).

## ۶. سیاست‌های ایران در قبال مهاجران افغان پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل

تنش‌های امنیتی و نظامی ایران و اسرائیل در سال‌های ۱۴۰۱-۱۴۰۳، به‌ویژه پس از حملات متقابل در سوریه، حملات سایبری و چند انفجار مشکوک در داخل ایران، موجب شد نگاه نهادهای امنیتی به سیاست‌های داخلی، از جمله در حوزه مهاجرت، امنیت محورتر و سخت‌گیرانه‌تر شود. در این چارچوب، مهاجران افغان نیز، به‌ویژه آن‌هایی که فاقد مدرک قانونی اقامت و شناسایی هستند، در نگاه بخشی از مقامات

به‌عنوان یک «ریسک امنیتی بالقوه» تلقی شدند. افزایش نگرانی از نفوذ امنیتی یکی از پیامدهای مستقیم تشدید تنش‌های ایران و اسرائیل، افزایش هشپاری امنیتی در مرزها و شهرهای بزرگ بود. نهادهای امنیتی ایرانی نسبت به احتمال سوءاستفاده اسرائیل از وضعیت نابسامان مهاجران افغان برای نفوذ عوامل خرابکار و ایجاد بی‌ثباتی هشدار دادند (Majidi, 2022; Tadjbakhsh & Chenoy, 2007). با توجه به تراکم بالای جمعیت مهاجران افغان در استان‌های مرزی و کلان‌شهرهایی که زیرساخت‌های حساس دارند (مثل تهران، قم و مشهد)، برخی مقامات این جمعیت را بخشی از «شکاف امنیتی» دانسته و جمع‌آوری و بازگرداندن آنان را ضروری ارزیابی کردند (UNHCR, 2023).

همچنین در سال‌های اخیر، وقوع چند حمله و خرابکاری در تأسیسات نظامی، هسته‌ای و صنعتی ایران که به اسرائیل نسبت داده شد، حساسیت امنیتی نهادهای اطلاعاتی ایران را به‌شدت بالا برد. در چنین فضایی، هرگونه جمعیت بی‌هویت یا فاقد مدرک، از جمله مهاجران افغان، به‌عنوان کانالی برای نفوذ و اجرای عملیات خرابکارانه دیده شد (Monsutti, 2023). این نگرش در تصمیم‌گیری برای اخراج سریع‌تر مهاجران بدون مدرک تأثیرگذار بود.

رسانه‌های رسمی و غیردولتی نیز در پی این حملات و تنش‌ها، فضای روانی جامعه را به سمت بدبینی نسبت به هرگونه «نفوذ بیگانه» سوق دادند. مهاجران افغان، به‌ویژه در مناطقی که ناامنی بیشتری گزارش شده بود، بیش از پیش در کانون تبلیغات بازگشت داوطلبانه و اخراج قرار گرفتند.

#### -افزایش همکاری‌های امنیتی با افغانستان

هم‌زمان با این تحولات، ایران و دولت طالبان در کابل، به‌رغم اختلافات، همکاری‌هایی برای بازگرداندن مهاجران و کنترل مرزها آغاز کردند. بخشی از این همکاری نیز در راستای تقویت امنیت مرزهای شرقی ایران در شرایط افزایش فشارهای امنیتی از سوی اسرائیل بود (UNHCR, 2023). پس از پایان جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل در ژوئن-

ژوئیه ۲۰۲۵، رویکرد ایران در قبال مهاجران افغان دستخوش تغییرات محسوسی شد. این تغییرات ناشی از افزایش نگرانی‌های امنیتی، فشارهای اقتصادی و تحولات ژئوپلیتیکی منطقه بود. به‌طور کلی، سیاست‌های جدید را می‌توان در سه محور اصلی تحلیل کرد:

### افزایش کنترل‌های مرزی و پیشگیری از ورود غیرقانونی

در پی افزایش نگرانی‌ها از نفوذ عوامل بیگانه تحت پوشش مهاجران، ایران کنترل مرزی در شرق کشور را به شکل چشمگیری تقویت کرد. این اقدامات شامل اعزام نیروهای اضافی به مرزهای افغانستان، استفاده از تجهیزات نظارتی پیشرفته و تشدید بازرسی‌های مرزی بود (وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۴).

### تشدید روند شناسایی و بازگشت مهاجران غیرقانونی

داده‌های رسمی نشان می‌دهد که اجرای طرح‌های «ساماندهی اتباع بیگانه» پس از جنگ با شدت بیشتری دنبال شد. هزاران مهاجر فاقد مدارک معتبر شناسایی و به افغانستان بازگردانده شدند. این روند به‌ویژه در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و خراسان رضوی که جمعیت بالایی از مهاجران افغان را در خود جای داده‌اند، برجسته‌تر بود (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۴).

### محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی برای مهاجران فاقد مجوز

دولت ایران به‌منظور کاهش جذابیت اقامت غیرقانونی، محدودیت‌هایی در حوزه اشتغال و دسترسی به خدمات اجتماعی اعمال کرد. از جمله این اقدامات می‌توان به محدودیت در صدور مجوز کار و کاهش دسترسی به خدمات آموزشی و درمانی برای مهاجران غیرقانونی اشاره کرد (ایرنا، ۱۴۰۴).

- بر اساس گزارش IOM و UNHCR، از ابتدای ۲۰۲۵ بیش از ۱.۴ میلیون نفر از افغانستان بازگشته‌اند که بیش از ۱ میلیون آنان مربوط به ایران است.
- از اول ژوئن تا اوایل جولای، بیش از ۵۰۸ هزار نفر در مدت ۱۶ روز اخراج شده‌اند و اوج آن هم‌زمان با تشدید جنگ بود.
- تا جولای ۲۰۲۵، بیش از ۱۰۱ میلیون نفر اخراج شده‌اند و دولت هدف خود را اخراج تا ۴ میلیون تعیین کرده است.
- گزارش CHRI می‌گوید بیش از ۵۰۰ هزار نفر از اول ژوئن اخراج شده‌اند و ۷۰٪ آن‌ها به اجبار بازگردانده شده‌اند که یک‌چهارمشان کودک هستند.
- در دوره جنگ، تنها در چند روز بیش از ۱۰۰ هزار نفر اخراج شدند و بیش از ۵۰۰۰ کودک بی‌سرپرست ثبت شده است.

### فرجام سخن

پژوهش حاضر نشان داد که سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در قبال مهاجران افغانستانی، به‌ویژه تشدید اخراج‌های اجباری و طرح‌های بازگشت داوطلبانه، نتیجه یک فرآیند پیچیده و چندوجهی بوده است. تحلیل مبتنی بر چارچوب نظری امنیت سازی نشان می‌دهد که حضور گسترده مهاجران، تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و سیاسی، به‌عنوان یک «تهدید وجودی» معرفی شد و این مسئله زمینه‌ساز تغییر مسیر سیاست‌ها از پذیرش انسانی به فشار و اخراج شد. از منظر اقتصادی و اجتماعی، فشارهای ناشی از تورم، کاهش درآمدهای نفتی، افزایش بیکاری و تراکم جمعیتی، موجب شد مهاجران به‌عنوان عاملی برای فشار بر بازار کار و خدمات عمومی تلقی شوند. این شرایط، به بازیگران سیاسی و نهادهای امنیتی ایران مشروعیت داد تا اقدامات سخت‌گیرانه مانند محدودیت‌های قانونی، بازداشت و اخراج را توجیه کنند. به عبارتی، این عوامل داخلی، زمینه‌ساز «گفتمان تهدید» در سطح ملی

شدند و به سیاست‌های بازدارنده مشروعیت بخشیدند. از سوی دیگر، عوامل امنیتی و منطقه‌ای نقش کلیدی در شدت گرفتن سیاست‌های سخت‌گیرانه ایفا کردند؛ اما نقطه عطف در این روند، جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل بود. این جنگ با تشدید فضای امنیتی در داخل ایران و برجسته‌سازی تهدیدات خارجی، به گفتمان امنیتی نخبگان سیاسی و نظامی مشروعیت مضاعف بخشید. در چنین فضایی، حضور گسترده مهاجران افغان - به‌ویژه فاقد مدارک اقامتی - به‌عنوان «خطر بالقوه» تلقی شد و این برداشت به دولت امکان داد تا اقدامات سخت‌گیرانه‌ای مانند اخراج‌های اجباری و طرح‌های بازگشت موسوم به «داوطلبانه» را توجیه کند. در پرتو نظریه امنیت سازی، می‌توان گفت جنگ ۱۲ روزه به‌عنوان یک عامل شتاب‌دهنده عمل کرد؛ بدین معنا که گفتار امنیتی نخبگان سیاسی و نظامی ایران در خصوص «تهدیدات نفوذی و امنیتی» ناشی از حضور مهاجران، با پذیرش عمومی مواجه شد و مشروعیت لازم برای اعمال سیاست‌های اضطراری را فراهم آورد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که سیاست‌های اخیر ایران، بیش از آن‌که بر مبنای اصول حقوق بشری و تعهدات بین‌المللی استوار باشد، تابعی از ملاحظات ژئوپلیتیکی و امنیتی کوتاه‌مدت بوده است. این وضعیت نه تنها به تشدید بحران انسانی در افغانستان منجر خواهد شد، بلکه می‌تواند فشارهای دیپلماتیک و انتقادات بین‌المللی علیه ایران را افزایش دهد. از این رو، تداوم چنین رویکردی در سیاست‌گذاری مهاجرتی، هم برای ثبات اجتماعی ایران و هم برای امنیت انسانی مهاجران افغانستانی پیامدهای پرهزینه‌ای به همراه خواهد داشت.

### منابع

- ایرنا (۱۴۰۴). سیاست‌های جدید ایران در قبال مهاجران افغان پس از تحولات امنیتی منطقه. بازیابی از <https://www.irna.ir>
- حمید پور، ع. و اینانلو، م. (۱۴۰۱). مهاجران افغانستانی در ایران و دوگانگی‌های رسانه‌ای. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا). [irna.ir](http://irna.ir).

- خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۲) بازگشت داوطلبانه ۴۵۰ هزار مهاجر از ایران به افغانستان . Tasnim News Agency
- خبرگزاری فارس. (۱۴۰۴) طرح ساماندهی اتباع بیگانه در استان‌های مرزی تشدید شد .  
<https://www.farsnews.ir>  
 صادقی، م. (۱۳۹۴). مهاجرت اتباع افغانستان به ایران و تأثیرات آن بر توسعه انسانی، فصلنامه مهاجرت، ۱ (۲)، ۷۸-۵۵.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲) بررسی وضعیت مهاجران افغان در ایران پس از ۱۴۰۰ و سیاست‌های پیشنهادی. تهران: دفتر مطالعات اجتماعی.
- وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۴). گزارش عملکرد مدیریت مهاجرت پس از جنگ ۱۲ روزه، تهران: مرکز مطالعات راهبردی وزارت کشور.
- حسینی، م. (۱۳۹۹) چالش‌های امنیتی مهاجرت‌های غیرقانونی در ایران، فصلنامه مطالعات امنیتی، ۱۲ (۳)، ۶۷-۴۵.
- حسینی، ن، محمدی، ع؛ و کاظمی، ف. (۱۴۰۱). شبکه‌های اجتماعی مهاجران افغان در ایران و نقش آن در انطباق اجتماعی، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۲۳ (۲)، ۷۵-۹۸.
- رحمانی، س. (۱۳۹۷). تعاملات فرهنگی میان مهاجران افغان و جامعه میزبان ایرانی، پژوهش‌نامه مهاجرت، ۵ (۱)، ۶۸-۴۵.
- رحیمی، ع. (۱۴۰۱). مهاجرت و امنیت ملی: مطالعه موردی ایران و افغانستان. پژوهش‌نامه سیاست خارجی، ۱۵ (۲)، ۸۷-۱۰۵.
- سعیدی، ح؛ و حسینی، ف. (۱۳۹۸). تأثیر مهاجرت افغان‌ها بر ساختار جمعیتی و اجتماعی شهرهای مرزی ایران. فصلنامه مرز و امنیت، ۱۱ (۳)، ۸۹-۱۰۸.
- صادقی، م. (۱۴۰۱). مهاجرت اتباع افغانستان به ایران: تحولات اخیر و چالش‌های پیش‌رو. فصلنامه مهاجرت، ۲ (۱)، ۶۷-۴۵.
- صالحی، م. (۱۴۰۰). چالش‌های اجتماعی ناشی از مهاجرت غیرقانونی افغان‌ها به ایران. پژوهش‌نامه امنیت اجتماعی، ۱۰ (۱)، ۷۲-۵۵.
- عباسی، م. (۱۳۹۹). پیامدهای حضور مهاجران افغان بر نظام آموزشی ایران. فصلنامه مطالعات جمعیت و توسعه، ۲۶ (۴)، ۱۲۳-۱۴۵.
- موسوی، ح. (۱۴۰۰). پیامدهای اجتماعی و امنیتی مهاجران در ایران، مجله علوم اجتماعی، ۱۸ (۱)، ۱۴۸-۱۲۳.

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (۱۴۰۱). گزارش خدمات بهداشتی درمانی ارائه‌شده به مهاجران در ایران. تهران: دفتر امور بین‌الملل.

## References

- Abbasi, M. (2012). The consequences of the presence of Afghan immigrants on the Iranian educational system. *Quarterly Journal of Population and Development Studies*, 26(4), 123-145.
- Azizi, A. (2025, July 17). *Iran has a mass-deportation policy too*. *The Atlantic*. The Atlantic+1iranintl.com+1
- Buzan, B, Wæver, O, & de Wilde, J. (1998). *Security: A new framework for analysis*. Lynne Rienner Publishers
- Chenoy, A. M. (2007). *Human Security: Concept and Implications*. New Delhi: Institute of Peace and Conflict Studies.
- CHRI. (2025, July 9). *Iran forcibly departs nearly 600,000 Afghan migrants amid post-war crackdown*. Center for Human Rights in Iran. iranhumanrights.org+1Wikipedia+1
- Edwards, A. (2010). Transitioning to a Human Security Approach to Refugee Protection. *Refugee Survey Quarterly*, 29(1), 1–33. <https://doi.org/10.1093/rsq/hdq001>
- Fars News Agency. (2024). The plan to organize foreign nationals in the border provinces was intensified. <https://www.farsnews.ir> [in Persian]
- Hamidpour, A. and Inanlu, M. (2022). Afghan Refugees in Iran and Media Dichotomies. Islamic Republic News Agency (IRNA). irna.ir [in Persian]
- Haqiqatyar, H, & Radan, R. (2025, July 7). ‘They threw us out like garbage’: Iran rushes deportation of 4 million Afghans before deadline. *The Guardian*. theguardian.com+1Wikipedia+1
- Helleiner, E, & Pickel, A. (Eds.). (2005). *Economic Nationalism in a Globalizing World*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Hosseini, M. (2012). Security challenges of illegal immigration in Iran. *Quarterly Journal of Security Studies*, 12(3), 45-65. [in Persian]
- Hosseini, N, Mohammadi, A, and Kazemi, F. (2014). Social networks of Afghan immigrants in Iran and their role in social adaptation. *Iranian Journal of Sociology*, 23(2), 75-98. [in Persian].
- International Organization for Migration. (2021). *Labour market integration of Afghan migrants in Iran*. IOM.
- Iran Intl. (2025, July 17). *Afghan women face grave risk as Iran intensifies mass deportations, Amnesty warns*. iranintl.com
- IRNA. (2024). Iran's new policies towards Afghan refugees after regional security developments [in Persian]

- Koser, K., & McAuliffe, M. (2018). *Migration and its impacts on cities*. International Organization for Migration.
- Kuschminder, K., & Dora, E. (2009). *Migration in Afghanistan: History, Current Trends and Future Prospects*. Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit.
- Kuschminder, K., & Dora, E. (2009). *Migration in Afghanistan: History, Current Trends and Future Prospects*. Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit.
- Majidi, N. (2022). *Afghan displacement to Iran: Patterns, challenges, and policy responses*. Samuel Hall. [in Persian]
- Majidi, N. (2022). Afghan Refugees and Iran's Migration Policy After the Taliban Takeover. *Journal of Refugee Studies*, 35(4), 712–730. <https://doi.org/10.1093/jrs/feac032> [in Persian]
- Ministry of Health and Medical Education (2022). Report on Health Services Provided to Immigrants in Iran. Tehran: Office of International Affairs [in Persian]
- Ministry of Interior, Islamic Republic of Iran. (2024). Report on the Performance of Immigration Management after the 12-Day War. Tehran: Center for Strategic Studies of the Ministry of Interior [in Persian].
- Monsutti, A. (2017). *Afghan Transnationalism and Iran: Migration, Exclusion, and Integration*. London: Routledge.
- Monsutti, A. (2023). Iran and Afghan Refugees after the Taliban: Humanitarianism, Politics, and Security. In B. Rubin (Ed.), *Afghanistan after the Taliban* (pp. 231–250). London: Routledge.
- Mousavi, H. (2020). Social and Security Consequences of Immigrants in Iran. *Journal of Social Sciences*, 18(1), 123-148. [in Persian]
- Newman, E. (2010). Critical Human Security Studies. *Review of International Studies*, 36(1), 77–94.
- Norberg, J. (2013). *Migration and Economic Nationalism: Globalization in Crisis*. Stockholm: Timbro.
- Rahmani, S. (2018). Cultural interactions between Afghan migrants and the Iranian host society. *Journal of Migration Research*, 5(1), 45-68. [in Persian]
- Sadeghi, M. (2015). Migration of Afghan Nationals to Iran and Its Impact on Human Development. *Migration Quarterly*, 1(2), 55–78. [in Persian]
- Sadeghi, M. (2021). Migration of Afghan Nationals to Iran: Recent Developments and Future Challenges. *Migration Quarterly*, 1(2), 45-67. [in Persian].
- Sadeghi, M. (2015). Migration of Afghan Nationals to Iran and Its Effects on Human Development. *Migration Quarterly*, 12, 55-78. [in Persian].

- Siavoshi, S. (2025). Migration and foreign policies: the case of Iran. *Third World Quarterly*, 1–17. <https://doi.org/10.1080/01436597.2025.2545473>
- Tadjbakhsh, S, & Chenoy, A. M. (2007). *Human Security: Concepts and Implications*. London: Routledge
- UN News/AP. (2025, date). *The scale of Afghans returning from Iran is overwhelming, says UN official*. AP News. AP News+1AP News+1
- UNDP. (1994). *Human Development Report 1994: New Dimensions of Human Security*. New York: United Nations Development Programme.
- UNHCR. (2001). *Afghan Refugees in Iran: A Profile*. Tehran: United Nations High Commissioner for Refugees.
- UNHCR. (2010). *Islamic Republic of Iran: Country Operations Profile*. Geneva: United Nations High Commissioner for Refugees.
- UNHCR. (2023). *Iran: Afghan Refugees and Asylum-Seekers Situation Report*. Geneva: United Nations High Commissioner for Refugees.
- United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR). (2023). *Iran: Afghan Refugees and Asylum-Seekers Situation Report*. Geneva: UNHCR.
- United Nations High Commissioner for Refugees. (2023). *Iran: Refugee situation update*. UNHCR.
- United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC). (2022). *Drug Trafficking and Migrant Smuggling in the Afghan-Iran Borderlands*. Vienna: UNODC.
- World Bank. (2023). *Iran Economic Monitor, Spring 2023: Balancing Priorities under Sanctions*. Washington, DC: World Bank
- World Bank. (2023). *Remittances data: Inflows and outflows*. World Bank. □
- International Labour Organization (ILO). (2023). *Youth Unemployment in the Middle East: Iran Country Report*. Geneva: ILO. □
- Kuschminder, K, & Dora, E. (2009). *Migration in Afghanistan: History, Current Trends and Future Prospects*. Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit.
- Clingendael Institute. (2024). *Between Inclusion and Exclusion: Iran's Selective Instrumentalization of Afghan Migrants*. Retrieved from <https://www.clingendael.org/publication/between-inclusion-and-exclusion-irans-selective-instrumentalization-afghan-migrants>
- Mixed Migration Centre. (2025). *Afghan Returns Report*. Retrieved from [https://mixedmigration.org/wp-content/uploads/2025/09/399\\_Afghan>Returns-Report.pdf](https://mixedmigration.org/wp-content/uploads/2025/09/399_Afghan>Returns-Report.pdf)
- Motamedi. M. (2025). Inside Iran's crackdown on Afghan migrants after the war with Israel
- The Guardian. (2025). 'They threw us out like garbage': Iran rushes deportation of 4 million Afghans before deadline. Retrieved from

- <https://www.theguardian.com/global-development/2025/jul/07/iran-rushes-deportation-4-million-afghans-deadline-women-repression>
- The Times. (2025). One of history's biggest expulsions: Iran is throwing out 4 million Afghans. Retrieved from
- UNHCR. (2024). *Annual Results Report - 2024 Iran*. Retrieved from <https://www.unhcr.org/sites/default/files/2025-06/Iran%20ARR%202024.pdf>